

جغرافیا و توسعه شماره ۴۳ تابستان ۱۳۹۵

وصول مقاله: ۱۳۹۴/۱۰/۱۶

تأیید نهایی: ۱۳۹۴/۱۲/۱۲

صفحات: ۷۰-۵۱

بررسی و ارزیابی تأثیر الگوهای اسکان مجدد بر تغییرات سرمایه‌ی اجتماعی در روستاهای زلزله‌زده مطالعه‌ی موردی: روستاهای زلزله‌زده شهرستان ورزقان

دکتر وکیل حیدری ساریان^۱، علی محنونی توخاخانه^۲، محبوبه نقابی^۳

چکیده

وقوع زلزله‌ی تابستان سال ۱۳۹۱ در شهرستان ورزقان منجر به تخریب بسیاری از مناطق روستایی شد. دولت به منظور بازسازی و جلوگیری از تلفات مالی و جانی دوباره، اقدام به اسکان مجدد برخی از روستاها در قالب سه الگوی جابجایی، تجمیع و بازسازی برخی از روستاهای این شهرستان نموده است. هدف از انجام تحقیق حاضر، بررسی تأثیرات الگوهای سه‌گانه‌ی اسکان مجدد روستاهای آسیب‌دیده از زلزله شهرستان ورزقان بر میزان سرمایه‌ی اجتماعی ساکنان جوامع روستایی می‌باشد. بدین منظور سه قلمرو اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام و همبستگی اجتماعی برای مطالعه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی در ناحیه‌ی مورد مطالعه انتخاب شد. جامعه‌ی آماری این پژوهش، خانوارهای محلی ساکن در روستاهای محدوده‌ی مطالعاتی است که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۴۰۰ سرپرست خانوار به‌عنوان حجم نمونه و به روش تصادفی ساده تعیین شدند. با مطالعه‌ی راهنما در منطقه‌ی مشابه جامعه‌ی آماری با تعداد ۵۰ پرسش‌نامه صورت گرفت و با داده‌های کسب شده و با استفاده از فرمول ویژه کرونباخ آلفا، پایایی بخش‌های مختلف پرسش‌نامه تحقیق ۰/۸۹۵ الی ۰/۹۱۲ به دست آمد.

تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شد. جهت مقایسه‌ی سه الگوی جابجایی، تجمیع و بازسازی از آزمون t نمونه‌های مستقل استفاده گردید. نتیجه‌ی این آزمون نشان‌دهنده‌ی آن است که بین الگوهای اسکان مجدد تفاوت معنی‌داری در سطح ۰/۰۰۰ در زمینه‌ی میزان تغییرات سرمایه‌ی اجتماعی وجود داشته است. علاوه بر این یافته‌های پژوهش نشان داد که میزان سرمایه‌ی اجتماعی در الگوی بازسازی با میانگین ۲/۸۷ بیشتر از دو الگوی دیگر است. علاوه بر این سطح همبستگی متغیرهای مشارکت همبستگی و انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی به ترتیب برابر با ۰/۷۹۵، ۰/۳۵۴ و ۰/۳۲۴ بوده است. در نهایت با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهادات کاربری در زمینه‌های آموزشی، حمایتی، رویکردهای مدیریت اصولی و همچنین آینده‌پژوهشی ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: اسکان مجدد، سرمایه‌ی اجتماعی، مدیریت بحران، روستای زلزله‌زده، شهرستان ورزقان.

v_heidari@uma.ac.ir

a.majnoony@bonabu.ac.ir

negabi.m@bonabu.ac.ir

۱- دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسؤول)

۲- مدرس گروه مهندسی معماری، دانشگاه بناب

۳- عضو هیأت علمی مهندسی معماری، دانشگاه بناب

مقدمه

از هنگامی که انسان پا به عرصه حیات در روی کره‌ی خاکی گذاشت، همواره طبیعت او را به چالش کشیده است (Krausmann et al, 2011: 923).

بررسی تاریخ حیات کره‌ی زمین نیز نشان می‌دهد که مدام حوادث ناخواسته‌ی طبیعی مانند سیل، زلزله، طوفان، رعد و برق، رانش زمین، تگرگ و غیره زندگی انسان‌ها را به چالش کشیده است. در این میان زلزله به‌عنوان پدیده‌ای تکرارپذیر و غیرقابل پیشگیری در طول حیات کره‌ی زمین همواره وجود داشته است. این بلای طبیعی همیشه به‌عنوان خطری جدی جوامع انسانی را تهدید نموده و در اثر وقوع آن چه بسا شیرازه‌ی بسیاری از جوامع از هم گسسته است (Paton et al, 2010: 185).

بر اساس آمار موجود، در سال ۲۰۱۴ میلادی بالغ بر ۸۱۹۵۴ نفر بر اثر بروز بلایای طبیعی در جهان جان خود را از دست داده و بیش از ۲/۳ میلیون نفر نیز سکونت‌گاه‌های خود را از دست داده‌اند (Blaikie et al, 2014: 111-112).

از طرفی بررسی آمار وقوع بلایای طبیعی و تلفات ناشی از این حوادث نشان می‌دهد که بخشی عمده از این‌گونه حوادث را زلزله تشکیل داده است. بر اساس آمار سازمان بهداشت جهانی تنها در طول یک قرن گذشته بیش از ۱۱۵۰ مورد زمین‌لرزه مرگبار در ۷۵ کشور جهان رخ داده است (Bathrellos et al, 2012: 539).

کشور ایران نیز همواره به خاطر داشتن ساختارهای مکانی - فضایی ویژه، بحران‌های طبیعی زیادی را متحمل شده و یکی از آسیب‌پذیرترین نقاط جهان در برابر مخاطرات محیطی و از جمله زلزله بوده است. به‌عنوان مثال بررسی آمار موجود در تاریخ زلزله‌های ۱۰۰ سال اخیر کشور ایران نیز نشان می‌دهد که در

طول یک قرن اخیر، حدود ۲۱ زلزله بالای ۵ ریشتر ثبت شده که در مجموع بالغ بر ۶۰۰۰۰۰ نفر کشته داشته است. علاوه بر این حدود بیش از ۶۶۰ روستا به صورت صددرصد تخریب شده است. علاوه بر این از بین کل کشته‌ها نیز بیش از ۷۲ درصد جان‌باختگان را افرادی تشکیل دادند که ساکن در جوامع روستایی بوده است (قاعدرحمتی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳).

از این رو می‌توان گفت مناطق روستایی به دلایلی از جمله پایین بودن کیفیت مسکن، پایین بودن سطح استفاده از تکنولوژی، عدم رعایت ضوابط مکان‌یابی و غیره در برابر وقوع زلزله متحمل بیشترین تلفات شده است (Wachinger et al, 2013: 1050).

بنابراین با توجه به آسیب‌پذیری روستاها در ابعاد مختلف مکانی - فضایی و همچنین به‌منظور کاهش آسیب‌های جانی و مالی در برابر بلایا، توجه و به‌کارگیری روش‌های اسکان مجدد مانند جابجایی و تجمع متمرکز نواحی پس از حادثه ضرورتی اساسی است (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۵).

با وجود آثار نه‌چندان مطلوب اسکان مجدد روستایی که به‌صورت افزایش هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی بروز می‌کند، در اغلب موارد برنامه‌های اسکان مجدد پس از زلزله به‌عنوان راه‌حلی مناسب جهت کاهش خطر و افزایش ایمنی در برابر اتفاقات ناخواسته‌ی آتی مورد ملاحظه قرار می‌گیرد؛ زیرا اسکان مجدد روستایی، به‌عنوان فرآیندی جهت ایجاد زمینه‌ی مناسب برای استقرار و بازسازی روستاهای واقع در پهنه‌های پرخطر در مناطق امن و همچنین مکان‌یابی مجدد و یا ساخت دوباره‌ی روستا با اصولی علمی است، شناخته می‌شود (رحمتی و نظریان، ۱۳۸۹: ۵۶). ساکنان روستاهای آسیب‌دیده از زلزله به دلیل از هم پاشیدن شیرازه‌های زندگی اجتماعی و همچنین تحمل تلفات جانی و مالی شدید، در برخی از مهارت‌های

التیام دردهای خود می‌شود (Magis, 2010: 404).
 بررسی تجارب در رابطه با الگوهای اسکان مجدد روستایی حاکی از آن است که به دلیل عدم مطالعه و شناخت دقیق، در بُعد سرمایه‌ی اجتماعی اصولاً جابجایی مجدد، موجبات تضعیف سرمایه اجتماعی را از منظر پایین آمدن میزان آگاهی، عدم تمایل روستاییان به عضویت در نهادهای مدنی، کاهش رضایتمندی، تضعیف روابط افقی بر پایه‌ی همکاری، پایین آمدن ارتباطات اجتماعی، انسجام اجتماعی، عدم تمایل به مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی، افزایش اختلافات و تعارضات و کاهش اعتماد اجتماعی و نهادی فراهم آورده است (Tang et al, 2008: 59-60).

زلزله‌خیزی یکی از ویژگی‌های جدایی‌ناپذیر اکثر مناطق استان آذربایجان شرقی و از جمله شهرستان ورزقان است، بطوری‌که رجبی و آقاجانی (۱۳۸۹) طی بررسی گسل‌های پیرامون منطقه آذربایجان به این نتیجه رسیدند که از بین ۱۱۰ روستای این شهرستان، تعداد ۸۸ روستا در گروه روستاهای در معرض زلزله بالا قرار دارند که این امر باعث آسیب‌پذیر شدن سکونت‌گاه‌های روستایی این شهرستان شده است (رجبی، آقاجانی، ۱۳۸۹: ۳). وقوع زلزله نه‌چندان شدید ۵/۷ ریشتری در مرداد ۱۳۹۱ در شهرستان ورزقان منجر به مرگ ۴۱۲ نفر و زخمی شدن بیش از ۵۰۰۰ در روستاهای این شهرستان شد. به منظور جلوگیری از تکرار تلفات سنگین مالی و جانی در مناطق روستایی شهرستان ورزقان، اقدام به انتقال چهار روستا به صورت محدود به فواصل کمتر از سه کیلومتر از محل قدیم خود، بازسازی کامل پنج روستای صد درصد تخریب‌شده و همچنین تجمیع چهار روستا در قالب دو روستا گردید (بنیاد مسکن آذربایجان شرقی، ۱۳۹۳). لذا امروزه با گذشت حدود سه سال و نیم از زلزله ورزقان و اجرای الگوهای اسکان مجدد در برخی از روستاهای

اجتماعی خود از قبیل، حمایت و پشتیبانی از یکدیگر در ابعاد اقتصادی و روحی-روانی، مشارکت در کارهای عمومی، همکاری با مسؤولان، احساس امنیت روانی و غیره در تحت‌عنوان سرمایه‌ی اجتماعی شناخته می‌شوند، با مشکلات جدی مواجه می‌شوند. از طرفی چنانچه جابجایی و اسکان مجدد سکونتگاه‌های روستایی بدون ارائه‌ی آگاهی‌های لازم به روستاییان و جلب اعتماد آنان صورت پذیرد، مشکلات فوق را دوچندان می‌نماید. به عبارتی سرمایه‌های اجتماعی ساکنان روستاهای زلزله‌زده در صورت شناخت و هدایت می‌تواند فرآیند اسکان مجدد را تسریع و تسهیل نموده و در غیر این صورت طرح‌های اسکان مجدد را با شکست مواجه می‌سازد (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۸).

در این زمینه اسکوونز^۱ (۲۰۰۹) عقیده دارد که شناسایی و استفاده‌ی صحیح از سرمایه‌های اجتماعی در درون یک جامعه روستایی به ساکنان روستایی و مدیران این امکان را می‌دهد که با خیالی آسوده توانایی‌های ذهنی و فکری خود را معطوف فعالیت‌های خود نموده و با اتکا به همین سرمایه مشکلات پیش آمده را پشت‌سر گذارند (Scoones, 2009: 173). علاوه بر این در زمینه‌ی اهمیت سرمایه‌ی اجتماعی در مدیریت پس از وقوع بحران در محیط‌های روستایی، مگیس^۲ (۲۰۱۰) عقیده دارد که در جوامع روستایی برای اعمال مدیریت بحران هیچ ابزار مدرن مدیریتی به اندازه‌ی ابزار سرمایه‌ی اجتماعی کارساز نیست، زیرا ارتباطات در جوامع روستایی معمولاً بسته و بر اساس روابط چهره به چهره می‌باشد که از طریق قیود غیر رسمی و هنجارهای سنتی منجر به ایجاد یک شبکه‌ی ارتباطی کم‌خطر یا بی‌خطر برای روستاییان جهت

یا افول زندگی در بستر شهرها به کار رفته است (Pearson et al, 2008: 951). با توجه به اهمیت این مفهوم به سرعت در مباحث اجتماعی، اقتصادی، جامعه‌شناسی، جغرافیای انسانی و غیره مورد توجه قرار گرفت. به نحوی که اندکی پس از طرح آن توسط جین جاکوب، جیمز کلن^۲ جامعه‌شناس آمریکایی آن را در معنای وسیع‌تری مورد استفاده قرار داد و رابرت پوتنام^۳ دانشمند علوم سیاسی توانست با پرداختن به این موضوع، مجموعه مباحث قوی و پرشور را در مورد سرمایه‌ی اجتماعی و جامعه‌ی مدنی در محافل دانشگاهی ایتالیا و آمریکا برانگیزاند (Sabatini, 2009: 430-431).

امروزه نیز دانشمندان و نظریه‌پردازان صاحب‌نامی همچون جمیز کلن (۱۹۶۶)، گلن لوری^۴ (۱۹۷۰)، بن پرات^۵ (۱۹۸۰)، ویلیامسون^۶ (۱۹۸۱)، بیکر^۷ (۱۹۸۳)، فرانسیس فوکویاما^۸ (۱۹۹۰) و غیره، تعاریف متعددی از سرمایه‌ی اجتماعی ارائه کرده‌اند (Bourdieu, 2011: 85).

از طرفی امروزه سرمایه‌ی اجتماعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های رشد و توسعه در هر جامعه‌ای مطرح می‌شود (فیروزآبادی و ایمانی، ۱۳۸۵: ۱۷).

سرمایه‌ی اجتماعی در معنای مدرن و امروزی خود ابتدا در سال ۱۹۱۶ در نوشته‌های هانیفان^۹ در آمریکا به کار گرفته شد. از نظر هانیفان، این سرمایه‌ی ناملموس بسیاری از امور زندگی روزانه‌ی مردم مانند حق کسب و کار، معاشرت، هم‌فکری و همدردی و داد و ستد اجتماعی میان افراد و خانواده‌ها که واحدهای اجتماعی را می‌سازند، دربرمی‌گیرد. علاوه بر این از نظر

آن به نظر می‌آید که این روستاها دارای مشکلات اجتماعی متعددی بوده و بخشی از این مشکلات ریشه در پایین بودن سرمایه‌ی اجتماعی دارد. با توجه به اهمیت و ضرورت توجه به آثار اسکان مجدد بر سرمایه‌ی اجتماعی و همچنین جلوگیری از تکرار آن در آینده، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال اساسی بوده است: آیا اجرای الگوهای اسکان مجدد در محدوده‌ی روستاهای زلزله‌زده منجر به کاهش یا افزایش سرمایه‌ی اجتماعی ساکنان شده است؟ در راستای پاسخ‌گویی به سؤالات فوق، پاسخ سؤالات فرعی زیر نیز ارائه شده است: آیا بین الگوهای اسکان مجدد در روستاهای زلزله‌زده و میزان اعتماد اجتماعی روستاییان همبستگی وجود دارد؟ آیا بین الگوهای اسکان مجدد در روستاهای زلزله‌زده و میزان مشارکت اجتماعی روستاییان همبستگی وجود دارد؟ و آیا بین الگوهای اسکان مجدد در روستاهای زلزله‌زده و میزان انسجام و همبستگی اجتماعی روستاییان همبستگی وجود دارد؟

مبانی نظری

متون توسعه نشان می‌دهد تهی شدن یک جامعه از سرمایه‌ی اجتماعی منجر به ناکارآمدی بسیاری از سیاست‌ها در حوزه‌های برنامه‌ریزی (شهری، روستایی و منطقه‌ای) می‌شود؛ چرا که سرمایه‌ی اقتصادی، طبیعی، فیزیکی، دانش فنی و حتی سرمایه‌ی انسانی در بستر وجود سرمایه‌ی اجتماعی بروز و ظهور می‌یابند و کارآمدی و تحقق، یا عدم کارایی و اثربخشی آن‌ها بسته به میزان سرمایه‌ی اجتماعی هر جامعه است (حیدری‌ساربان، ۱۳۹۳: ۹؛ حاجی‌پور، ۱۳۸۵: ۴۵).

اصطلاح سرمایه‌ی اجتماعی نخستین بار در اثر کلاسیک‌جین جاکوب^۱، به منظور بررسی علل توسعه و

2-James Coleman
3-Robert Putnam
4-Glenn Lowry
5-Ben Pratt
6-Williamson
7-Baker
8-Francis Fukuyama
9-Hanifan

1-Jane Jacob

بر انتظارات، نقش‌ها و تعهدات اکتسابی و تأیید شده دارد که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به نهادهای مربوط به زندگی جمعی خودشان دارند. از نظر وی سرمایه‌ی اجتماعی یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و اجتماعی و عاملی بسیار اساسی برای تداوم زندگی جمعی در دنیای پرمخاطره امروزی است. عدم توجه به سرمایه‌ی اجتماعی سبب تأخیر در کارها و افزایش هزینه و در نهایت عدم توسعه‌ی ملل می‌شود (Adger, 2010: 329-330). همچنین کولمن^۷ اعتقاد دارد که سرمایه‌ی اجتماعی با توافق و اتحاد جمعی میان اعضای یک جامعه و در اثر عواملی مانند پذیرش همدیگر، درونی کردن نظام ارزشی و هنجاری یک جامعه و وجود احساس تعلق جمعی و دستیابی مجموعه‌ای از تعامل‌ها، در میان افراد آن جامعه شکل می‌گیرد (Kelman, 1988: 97-98). در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که سرمایه‌ی اجتماعی در کشورهای توسعه‌نیافته بایستی دلالت بر توافق جمعی میان اعضای یک جامعه نماید و ناظر بر میزان و الگوی رابطه‌ی متقابل بین کنشگران، گروه‌ها و خرده‌فرهنگ‌های تمایز باشد (زکیا و غفاری، ۱۳۸۶: ۲۸۶). اهمیت سرمایه‌ی اجتماعی در جوامع روستایی به دلیل تأثیراتی است که بر استعداد روستاییان در جهت سازمان‌دهی برای توسعه می‌گذارد. این تأثیرات عبارت‌اند از ۱- ارتباط متقابل برای ایجاد هماهنگی بین فعالیت‌ها؛ ۲- بسیج منابع و اعمال مدیریت در آن‌ها؛ ۳- اعمال مشارکت عمومی و ارزیابی آراء و مسأله‌یابی ۴- ارائه‌ی راه‌کارهای حل مشکلات. این چهار کار تأثیراتی است که سرمایه‌ی اجتماعی بر روی سازمان‌دهی توسعه‌ی روستاها انجام می‌دهد و روند آن در جهت رسیدن به رفاه عمومی جوامع روستایی می‌باشد (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۶).

وی سرمایه‌ی اجتماعی حاصل ظرفیت‌های بالقوه‌ای است که برای بهبود اساسی شرایط زندگی اجتماعی در محیط‌های اجتماعی اعم از شهر و روستا کفایت می‌کند. اهمیت نظریه سرمایه‌ی اجتماعی برای جغرافی‌دانان نیز پوشیده نمانده و جغرافی‌دانانی همچون؛ جین جاکوب استاد جغرافیای شهری، گلن لوری^۱ مدرس اقتصاد شهری دانشگاه کلن، ایوان لایت^۲، پاتنام^۳ و غیره سال‌های متمادی بر روی سرمایه‌ی اجتماعی کار پژوهشی انجام داده‌اند. از نظر ییپ^۴ و همکاران (۲۰۰۷) برخی عناصر و اجزای اصلی تشکیل‌دهنده‌ی سرمایه‌ی اجتماعی عبارتند از: روابط اجتماعی، تقویت روابط زنجیره‌ای، آگاهی به امور عمومی، سیاسی و اجتماعی، پذیرش عمومی، اعتماد عمومی، اعتماد نهادی، مشارکت غیررسمی مذهبی، کمک به هم‌نوعان، مشارکت غیررسمی خیریه‌ای، شرکت در اتحادیه‌ها، انجمن‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات مدنی رسمی (Yip et al, 2007: 36-37).

از نظر ناهاپیت و گوشال^۵ (۲۰۱۱) جغرافی‌دانان بایستی سرمایه‌ی اجتماعی را در سه بُعد مورد توجه قرار دهند: ساختاری، ارتباطی و شناختی. از نظر وی ابعاد ساختاری سرمایه‌ی اجتماعی مرتبط با توانایی فرد در برقراری پیوندهای ضعیف و قوی با دیگران در بستر فضایی و در قالب یک سیستم است. بُعد ارتباطی بر خصوصیات رابطه بین افراد، افراد با حکومت و قانون تمرکز دارد. بُعد سوم سرمایه‌ی اجتماعی (شناختی) نیز بر توانایی فرد و جامعه در شناخت مسیر درست و درک و معانی مشترک از همدیگر جهت دستیابی به توسعه‌ی همه‌جانبه تأکید دارد. از نظر ادگر^۶ (۲۰۱۰) سرمایه‌ی اجتماعی دلالت

1-Gallen Lurry
2-Light Ivan
3-Robert Putnam
4-Yip
5-Nahapiet and Ghoshal
6-Adger

فنی در راستای افزایش ماندگاری بناها صورت گرفته باشد. از نظر دانشمندان این روش در صورتی که همراه با شناخت خطرات آتی و راه‌های مقابله با آن نباشد، کارایی نداشته و اتلاف منابع محسوب می‌شود. در نهایت الگوی انتقال عبارت است از جابجایی و مکان-یابی روستاها در محل جدید به همراه انتقال همه‌ی لوازم معیشت. این الگو به دلیل مشکلات اجتماعی و اقتصادی در اولویت آخر اسکان مجدد قرار دارد (Ptackova, 2012: 225-226).

امروزه سیاست اسکان مجدد یکی از انواع رویکردهای مدیریتی در برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های روستایی است که به‌منظور توسعه‌ی روستایی و به‌ویژه نظام‌بخشی به توزیع بهینه‌ی نقاط روستایی و تأمین امکانات و خدمات مورد نیاز روستاییان و در نهایت حفاظت از روستاییان در برابر انواع خطرات مطرح شده است (Agba et al, 2010: 51).

در این رابطه پاتکویا اعتقاد دارد که اسکان مجدد روستایی بازتابی از اجرای به‌گزینی مجدد جمعیت روستایی به‌منظور بهبود فعالیت‌های تولیدی، مقابله با خطرات آتی و نیز بهسازی استانداردهای زندگی در محیط‌های روستایی است (Ptackova, 2012: 219).

توجه به جایگاه الگوهای اسکان مجدد در ادبیات توسعه‌ی روستایی نشان می‌دهد که این رویکرد از سه دیدگاه مورد توجه بوده است اولی دیدگاه موافق و دومی دیدگاه مخالف و در نهایت دیدگاه معروف به استراتژی معطوف به توسعه که می‌توان آن را تلفیقی از دو دیدگاه موافق و مخالف در نظر گرفت.

استدلال موافقان این است که جابجایی و ادغام روستاها ناظر بر این امر است که پراکنش روستاها در نقاط متعدد سرزمین مانعی عمده در جهت توسعه روستایی به شمار می‌آید و با تمرکز واحدهای خدماتی در نقاط روستایی می‌توان به میزان کارایی آن‌ها افزود

اسکان مجدد عبارت است از روند حرکت و جابجایی مردم از محل سکونت خود به یک مکان جدید، به‌دلیل آنکه ادامه‌ی زندگی آن‌ها در مکان فعلی امکان‌پذیر نباشد. از نظر پورطاهری و همکاری اسکان مجدد عبارت از اجرای به‌گزینی استقرار مجدد جمعیت روستایی به‌منظور برخورداری از بهبود فعالیت‌های تولیدی و بهسازی استانداردهای زندگی و حفظ امنیت جوامع روستایی در برابر خطرات احتمالی است (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۰).

اسکان مجدد و جابجایی‌ها به‌مثابه پارادایم معاصر در علوم اجتماعی مانند جامعه‌شناسی، جغرافیا و روانشناسی ناظر به بررسی جابجایی افراد، اماکن، ایده‌ها و اشیاء از طریق اراده و یا اجبار است. این اصطلاح با واژه‌های مختلف مانند جابجایی، تغییر مکان و یا اسکان مجدد در محل با اعمال تغییرات نیز شناخته می‌شود. به عبارت دیگر اسکان مجدد دارای سه رکن تجمع، جابجایی و بازسازی بوده است (Miller et al, 2013: 449).

معمولاً سه الگوی "درجاسازی"، "الگوی جابجایی" (انتقال) و الگوی "تجمع و ادغام" برای بازسازی روستاهای آسیب‌دیده یا تخریب‌شده در اثر بروز بلاهای طبیعی در پیش گرفته می‌شوند (رحمتی و نظریان، ۱۳۸۹: ۵۵؛ استادکلایه و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۸). از شیوه‌های گفته شده، شیوه‌ی تجمع و ادغام عبارت است از ادغام دو یا چند روستا در محل یکی از روستاها و یا در محل جدید. از نظر دانشمندان این روش دارای مزیت‌هایی در عرضه‌ی امکانات و خدمات است، نظر متصدیان عمران و توسعه‌ی روستایی را بیشتر به خود جلب کرده است (افتخاری و بدری، ۱۳۸۲: ۲۵؛ فتحی و مطلق، ۱۳۸۹: ۳). الگوی درجاسازی یا همان الگوی بازسازی عبارت است از ایجاد روستا در محل مخروبه‌ی اولیه، به نحوی که همراه با مداخلات

آن عبارت است از این که بطور کل مدیریت توسعه‌ی روستایی و بطور اخص پیاده‌سازی الگوهای اسکان مجدد چه قبل از اجرای طرح و چه بعد از آن نیازمند اتخاذ تدابیری برای جلب مشارکت افراد محلی، همکاری متقابل مردم و برنامه‌ریزان و مردم با مردم، احساس مسؤلیت همگانی و در نهایت همدلی و هماهنگی است. در این زمینه روگرز و وانگ^۱ (۲۰۰۶) در تحقیقات میدانی خود در زمینه‌ی آثار اسکان مجدد در روستاهای زیمباو بوده که در معرض مخاطرات زیست‌محیطی بودند دریافتند که روستاهای اسکان مجدد یافته با گذشت مدت زمان نسبتاً طولانی با وجود توسعه‌ی اقتصادی، از لحاظ اجتماعی هنوز عملکرد مناسبی نداشته‌اند و دلیل اصلی آن در گسیختگی اجتماعی، ناسازگاری و عدم توانایی افراد در انس با محیط جدید بوده است. علاوه بر این ادریچ^۲ (۲۰۱۱) نیز عقیده دارد که از بین ابعاد کیفیت زندگی در روستاهایی که یکی از ابعاد اسکان مجدد را تجربه کرده‌اند، بُعد اجتماعی و به‌خصوص بُعد ذهنی اجتماعی دارای پیچیدگی خاصی است. به‌نحوی که در این‌گونه روستاها، شکل‌گیری انسجام و اتحاد، شکل‌گیری واحدهای صنفی و تعاونی، همزیستی اکولوژیکی و غیره نیاز به گذشت زمان طولانی دارد. در نهایت اینکه مسلی و ورث چور^۳ (۲۰۰۵) در پژوهش‌های متعدد خود در مورد آثار اسکان مجدد به این نتیجه رسیده است که احساس سطح بالایی از اعتماد و انسجام، مشارکت عمومی، احساس آرامش، از سرگیری روابط افقی و غیره در روستاهای اسکان مجدد یافته دارای چالش‌هایی است که ناخواسته به این افراد تحمیل شده است.

و شرایط زندگی مردمان با تمرکز مکانی و فضایی خدمات، مطلوب‌تر خواهد شد (توکلی، ۱۳۸۰: ۴۶). از طرفی گروهی از اندیشمندان به‌ویژه در حوزه‌ی علوم انسانی و اجتماعی با اشاره به پیامدهای اجتماعی و اقتصادی جابجایی و ادغام روستاها، بر این باورند که تا حد امکان باید تلاش در حفظ روستاها در مکان‌های اصلی خود نمود. به اعتقاد این صاحب‌نظران، روستا تنها یک فضای فیزیکی نیست که به‌سادگی بتوان آن را از جایی به جایی دیگر منتقل کرد. هر روستا دارای هویتی مستقل است و زندگی و روابط ذهنی آن بسیار غنی و پیچیده است. به‌زعم برخی از این اندیشمندان، جابجایی و ادغام روستاها سبب گسستگی در وحدت و پیوستگی مردم و زوال حافظه‌ی جمعی و احساس هویت می‌گردد (توکلی، ۱۳۸۰: ۱۲). سرانجام این که برخی از پژوهشگران علوم اجتماعی که بطور مشخص به جابجایی انسان‌ها و ادغام مجموعه‌ای زیستی در هنگام بازسازی مناطق آسیب‌دیده از حوادث طبیعی مانند سیل و زلزله اشاره کرده‌اند، بر این باورند که جابجایی انسان‌ها می‌تواند منجر به طولانی شدن بحران حاصل از وقوع فاجعه‌ای طبیعی شود و سبب بروز عوارضی مانند تحلیل ذخیره‌های اقتصادی و اجتماعی و وابستگی به کمک‌های خارجی و غیره گردد که در درازمدت دست کمی از عوارض نخستین فاجعه‌ها ندارند (مشیری، ۱۳۹۰: ۱۰۰). مضاف بر این هدف اصلی از جابجایی روستاهای در استراتژی معطوف به استراتژی توسعه دنبال می‌شود. در این استراتژی هدف از جابجایی و اسکان مجدد جمعیت‌های روستایی بهبود وضعیت فعلی جمعیت تحت پوشش طرح و ارتقای زندگی آنان به سطحی قابل قبول تر در چارچوب توسعه‌ی منطقه‌ای و ملی است (فتحی و مطلق، ۱۳۸۹: ۳). نظریات همگی دانشمندان اعم از موافق و یا مخالف در مورد الگوهای اسکان در یک‌جنبه مشترک بوده و

پیشینه‌ی تحقیق

تحقیقات کمی در ارتباط با سرمایه‌ی اجتماعی و اسکان مجدد وجود دارد. در این بخش به تعدادی از آن‌ها در رابطه با موضوع مورد بررسی استناد می‌شود. لوچی (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان "برنامه‌ریزی برای اسکان مجدد بعد از وقوع حوادث" اقدام به بررسی عوامل مختلف تأثیرگذار بر اسکان مجدد در زلزله کشور ژاپن نموده و به این نتیجه رسیدند که تعامل بین دولت و مردم آسیب‌دیده، تعامل خانواده‌ها با یکدیگر، سرعت برنامه‌ریزی و دینامیک ارتباطی جامعه‌ی روستایی در موفقیت الگوهای اسکان مجدد نقش مثبت و سازنده داشته است.

فلمنگ^۱ و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان "اعتماد و روابط متقابل پس از وقوع بلایای طبیعی" به صورت تجربی اقدام به بررسی نتایج زلزله در میان روستاییان زلزله‌زده کشور شیلی در سال ۲۰۱۰ نموده و به این نتیجه رسیدند که رابطه‌ی متقابلی بین میزان سرمایه اجتماعی و از جمله روابط متقابل، رعایت هنجارهای اجتماعی، نوع نگرش مردم به همدیگر و مشارکت روستاییان در بازسازی و مرمت روستاهای حادثه‌دیده از زلزله وجود دارد.

پاترسون و همکاران^۲ (۲۰۱۰) در مقاله‌ی خود تحت عنوان "نقش جامعه محلی در واکنش به سانحه" با تمرکز بر روی نقش سرمایه اجتماعی در کاهش آسیب‌پذیری جامعه در برابر سوانح طبیعی به این نتیجه رسید که در جوامعی که شبکه‌های اجتماعی، نگرش، اعتماد بین افراد و انسجام اجتماعی بالاتر بوده است، سطح واکنش و برخورد مردم با سوانح بهتر و سازنده‌تر بوده است.

میماکای و شاو^۳ (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان "ارتقای آمادگی در برابر سوانح با سرمایه اجتماعی با استفاده از ظرفیت‌های محلی" در منطقه‌ی روستایی کوچی در ژاپن که با استفاده از مطالعات میدانی و عمیق انجام داده‌اند به این نتیجه رسیدند که با توجه به نوع روابط اجتماعی، رهبری محلی، سیستم نهاد، استفاده از دانش بومیان منطقه و مهم‌تر از همه حکمروایی نقش مهمی در آماده‌سازی جامعه محلی در برابر سوانح طبیعی دارد.

پیلینگ^۴ (۲۰۰۳) در مقاله‌ای با عنوان "آسیب-پذیری جوامع انسانی: سوانح طبیعی و تاب‌آوری اجتماعی" سرمایه اجتماعی (اعتماد، مشارکت و انسجام اجتماعی) را از اصول کلیدی برای مداخلات قوی در مدیریت سانحه قلمداد کرده و آن را باعث بالا رفتن میزان همبستگی و اعتماد به قوانین در سطح جامعه‌ی محلی و در نهایت غلبه بر خسارات مخاطرات طبیعی می‌داند.

محمدی استاد کلاله و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان "تعیین اثرات الگوهای راهبرد اسکان مجدد پس از بلایای طبیعی بر کیفیت زندگی، مطالعه‌ی موردی: روستاهای جابجا شده شرق استان گلستان" به این نتیجه رسیدند که اجرای الگوهای اسکان مجدد در این روستاها منجر به بهبود ابعاد کیفیت زندگی و از جمله متغیرهایی مانند اعتماد اجتماعی، همزیستی و غیره؛ که به عنوان فصل مشترک کیفیت زندگی و سرمایه‌ی اجتماعی هستند، شده است. احمدی‌اوندی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان "ارزیابی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی پروژه احداث سد کارون ۳ در شهرستان ایذه" به این نتیجه رسیدند که روستاهای جابجا شده، جوامع

3-Mimaki, J. and Shaw

4-Pelling

1-Fleming

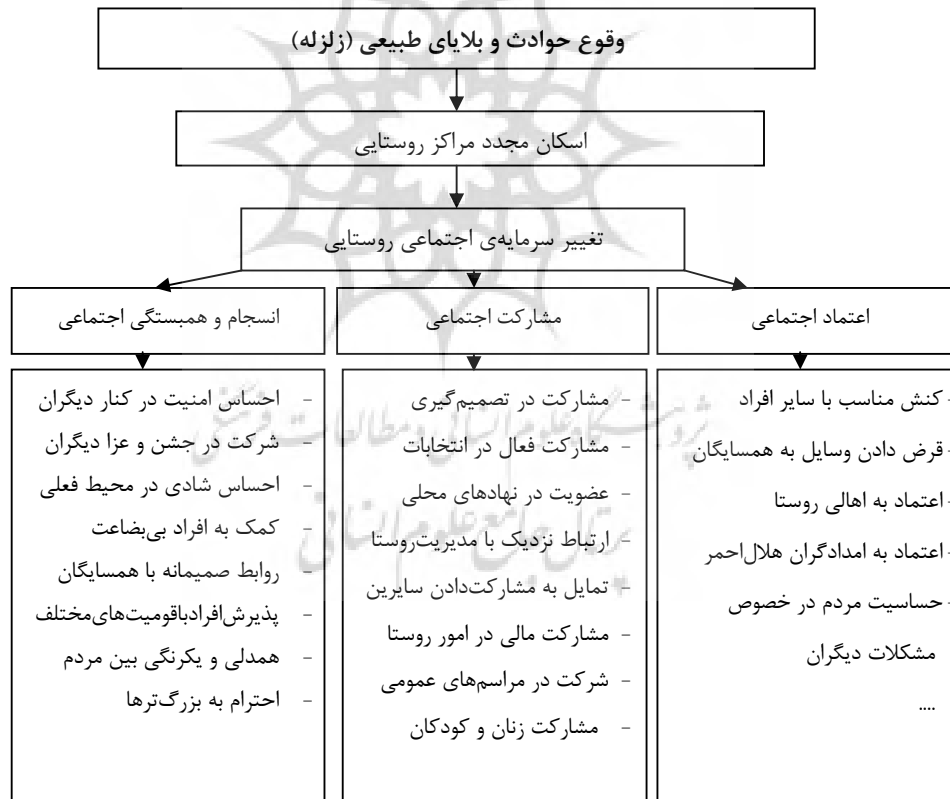
2-Patterson et al

پوشش کمیته‌ی امداد" اقدام به بررسی عوامل مؤثر بر اسکان مجدد نموده و به این نتیجه دست یافتند که بین اسکان مجدد مهاجران و سرمایه‌ی اجتماعی همبستگی وجود دارد.

خواجهدادی و همکاران (۱۳۸۵) در تحقیقی تحت عنوان "سرمایه‌ی اجتماعی حلقه مفقوده بازسازی پس از بلایا" پس از توصیف سرمایه‌ی اجتماعی و فواید آن، نقش این سرمایه را در کنار نقش رهبران محلی در بازسازی بلایا تشریح نموده و نتیجه‌گیری کردند سرمایه‌ی اجتماعی سرعت بازسازی را افزایش می‌دهد.

میزبان و خانوارهای ساکن در کنار رودخانه از نظر متغیرهای سرمایه‌ی اجتماعی تحت تأثیر اثرات منفی احداث سد بوده‌اند. "بررسی و سنجش پایداری اجتماعی الگوهای مختلف اسکان مجدد پس از بلایا" عنوان پژوهشی است که توسط استاد کلاته و همکاران (۱۳۹۳) انجام یافته و نتایج پژوهش نشان داده است که بین الگوهای جابجایی و جابجایی توأم با ادغام با متغیرهای توسعه‌ی اجتماعی و از جمله سرمایه‌ی اجتماعی رابطه وجود دارد.

دیانی و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان "زمینه‌یابی اسکان مجدد مهاجرین روستایی تحت



شکل ۱: چارچوب مفهومی پژوهش

تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۴

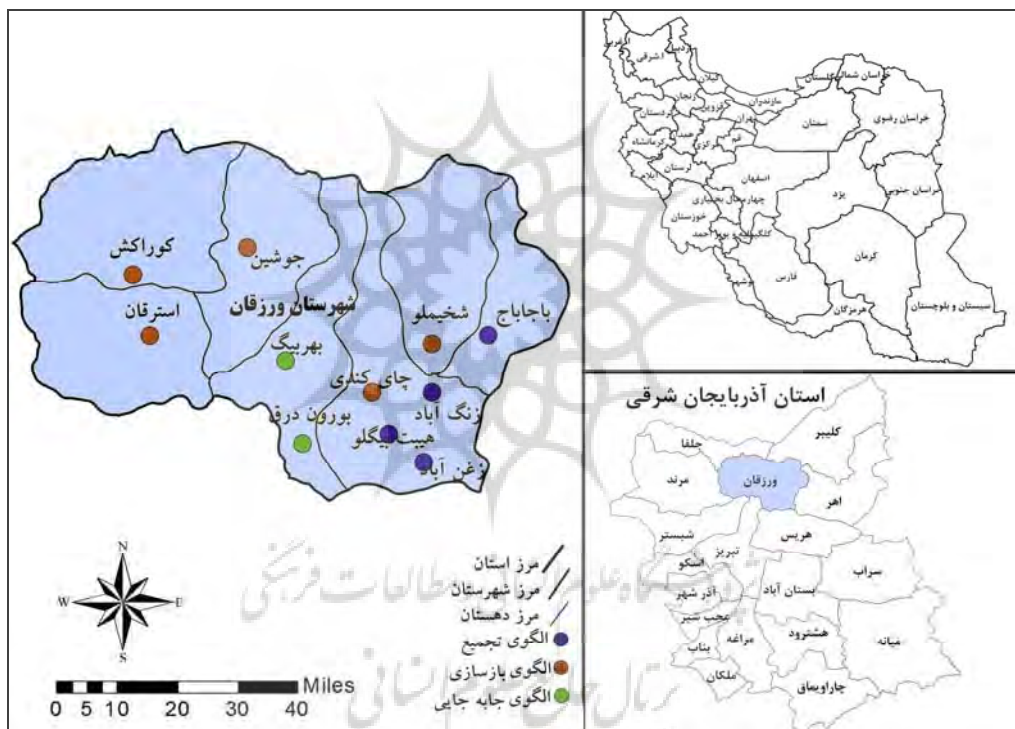
منطبق بر شهرستان ورزقان در سمت شمالی استان آذربایجان شرقی می‌باشد. تعداد روستاهای آسیب‌دیده

محدوده‌ی مورد مطالعه

محدوده‌ی مورد مطالعه از نظر سیاسی- اداری،

به صورت تجمیع، روستاهای شیخملو، چای‌کندی، جوشین، استرقان، کوراگش به عنوان روستاهای کامل بازسازی شده و روستاهای ارجان، بهریگ و بورون درق به عنوان روستاهای جابجا شده از محل اولیه‌ی خود بوده است (شکل ۲).

از زلزله سال ۱۳۹۰ شهرستان ورزقان برابر با ۶۳ روستا بوده است که بر اساس برآوردهای ستاد مدیریت بحران استان، از ۱۵ الی ۹۰ درصد تخریب شده‌اند. از این تعداد ۱۲ روستا به دلیل آسیب‌پذیری کامل یکی از الگوهای اسکان مجدد را تجربه کرده‌اند که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند. از این تعداد روستا، چهار روستای باجاباج، زنگ‌آباد، زغن‌آباد و هیبت بگلو



شکل ۲: محدوده‌ی جغرافیایی روستاهای مورد مطالعه

تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۴

روستاهای بازسازی شده و ۳۰ درصد نیز در روستاهای تجمیع یافته سکونت دارند. سایر مشخصات عمومی روستاهای مورد مطالعه همانند جدول (۱) بوده است.

مجموع ۱۲ روستای مورد مطالعه در این تحقیق دارای ۷۸۹۶ نفر جمعیت و ۱۸۸۰ خانوار بوده است. از این تعداد ۲۵ درصد افراد در روستاهای تجمیع یافته، ۵۱ درصد در روستاهای بازسازی شده و ۲۴ درصد در

جدول ۱: مشخصات اجتماعی روستاهای مورد مطالعه

نوع روستا	درصد مردان	درصد زنان	اشتغال مردان	اشتغال زنان	باسوادی مردان	باسوادی زنان
روستاهای جابجا شده	۵۱/۲۰	۴۸/۸	۹۰/۲۵	۸۶/۲	۵۷/۴	۴۷/۵

۴۴/۱۵	۵۲/۲	۸۹/۵۰	۹۵/۵۰	۴۷	۵۳	روستاهای بازسازی شده
۵۴/۱۲	۶۱/۳	۸۶/۷۵	۸۹/۱۵	۵۱/۸	۴۸/۲۰	روستاهای تجمیع یافته

مأخذ: سازمان مدیریت بحران آذربایجان شرقی، ۱۳۹۴

روش‌شناسی پژوهش

رابطه‌ی اسکان مجدد و سرمایه‌ی اجتماعی بطور مستقیم نظریه‌ها و تئوری‌های حمایت‌کننده‌ای وجود ندارد؛ بلکه بطور غیرمستقیم می‌توان از نظریات و دیدگاه‌ها پیرامون سرمایه‌ی اجتماعی و نیز آثار اسکان مجدد در نواحی روستایی سود برد و با مطالعه و تلفیق آن‌ها در راستای بررسی رابطه‌ی اسکان مجدد و سرمایه‌ی اجتماعی در نواحی روستایی گام برداشت. با توجه به مرور مطالعات و تحقیقات انجام شده، معیارهای سنجش سرمایه‌ی اجتماعی شامل سه معیار شامل اعتماد اجتماعی، انسجام و همبستگی اجتماعی و مشارکت اجتماعی (جدول ۲) می‌باشند.

روایی پرسشنامه‌ها با نظر پانل متخصصان و صاحب‌نظران مورد تأیید قرار گرفت و جهت تعیین پایایی پرسشنامه با استفاده از ۵۰ پرسشنامه، پیش‌آزمون انجام شد که مقدار آلفای کرونباخ محاسبه شده برای مجموع ابعاد، ۰/۹۱۳ به دست آمد.

این تحقیق از لحاظ هدف، توسعه‌ای و از لحاظ ماهیت، توصیفی و پیمایشی و نیز از نوع همبستگی است. گردآوری داده‌های مورد نیاز با استفاده از روش اسنادی (داده‌های ثانویه) و میدانی (داده‌های اولیه) بوده است. ابزار مورد استفاده در روش میدانی مبتنی بر ابزار پرسش‌نامه است. جهت تعیین تعداد پرسشنامه مورد نیاز (حجم نمونه) در تحقیق حاضر از فرمول کوکران استفاده شد. همان‌طوری که گفته شده جامعه‌ی مورد مطالعه در این پژوهش برابر با ۷۸۹۶ نفر بوده است. با توجه به فرمول کوکران و سطح اطمینان ۹۵ درصد و ضریب خطای ۰/۰۵، تعداد ۳۶۶ خانوار برای تکمیل پرسشنامه انتخاب گردیدند. ولی به منظور دستیابی به نتایج واقعی‌تر حجم نمونه به ۴۰۰ نفر افزایش یافت. روش نمونه‌گیری در این پژوهش تصادفی ساده بوده که بعد از انتخاب نمونه‌ها به تناسب جمعیت هر یک از روستاها توزیع شده است. در ارتباط با

جدول ۲: معیارها و شاخص‌های سنجش سرمایه‌ی اجتماعی

منبع	شاخص	معیار سرمایه‌ی اجتماعی
Rogers et al(2011) Nardone et al(2010)	کنش مناسب با سایر افراد، قرض دادن وسایل به همسایگان، اعتماد به اهالی روستا، اعتماد نسبت به نهاد دهیاری، اعتماد به شوراها، اعتماد به امدادگران و هلال احمر، حساسیت مردم در خصوص مشکلات دیگران، اعتماد شخصی (از قبیل صداقت، وفا به عهد و غیره)، اعتماد به نهادها و سازمان‌های دولتی، ضمانت مالی همدیگر در دریافت وام.	اعتماد اجتماعی
Sherrieb(2010)	تلاش برای آگاهی و شناخت اهداف توسعه روستا، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های روستا، مشارکت فعال در انتخابات، عضویت در نهادها، محلی از قبیل شورای روستا، ارتباط نزدیک با مدیریت (شورا و دهیار)، تمایل به مشارکت دادن سایر اعضای خانواده و به خصوص فرزندان در مدیریت روستا، مشارکت مالی در امور روستا، تمایل به ارائه تجارب شخصی به دیگران، شرکت در مراسم‌های عمومی روستا، همفکری و مشورت زنان در امور روستا.	مشارکت اجتماعی
Portes & Vickstrom (2015)	احساس امنیت در کنار هم‌نوعان، شرکت در مراسم‌های جشن و عزا، احساس نشاط در محیط فعلی، کمک به افراد بی‌بضاعت، روابط صمیمانه با همسایگان، پذیرش افراد با قومیت‌های مختلف، بروز تضادهای مذهبی، همدلی و یکرنگی بین مردم، احساس مسؤلیت در امور روستا، احترام به بزرگ‌ترها توسط کوچک‌ترها، حل اختلافات به صورت ریش‌سفیدی و کدخدایی، ایجاد تعاونی با دیگران، حضور در مراکز عمومی.	انسجام و همبستگی اجتماعی

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۴

(خیلی بهتر شده ۵، بهتر شده ۴، تغییری نکرده ۳، بد شده ۲ خیلی بدتر شده ۱) استفاده شده است. در گام

برای پرسش‌نامه‌های مورد استفاده اساساً از سؤالات بسته با پاسخ‌هایی در طیف لیکرت پنج مقیاسی

دیگر پس از تکمیل پرسشنامه‌ها و رفع نواقص احتمالی، اطلاعات مورد نیاز از پرسشنامه‌ها استخراج شده و جهت رسیدن به اهداف تحقیق مورد بررسی و تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. در پژوهش حاضر به منظور بررسی نقش اسکان مجدد در سرمایه‌ی اجتماعی روستاییان، از آزمون T استفاده شده است. با توجه به هدف مطرح شده، فرضیات زیر در این پژوهش مطرح و مورد آزمون قرار گرفتند:

فرضیه‌ی اصلی پژوهش

بین اجرای الگوهای اسکان مجدد و میزان سرمایه‌ی اجتماعی در روستاهای زلزله‌زده همبستگی مثبت و معنی‌دار وجود دارد.

فرضیات فرعی پژوهش

۱- بین اجرای الگوهای اسکان مجدد و میزان اعتماد اجتماعی در روستاهای زلزله‌زده همبستگی وجود دارد؛
 ۲- بین اجرای الگوهای اسکان مجدد و میزان مشارکت اجتماعی در روستاهای زلزله‌زده همبستگی وجود دارد؛
 بین اجرای الگوهای اسکان مجدد و میزان همبستگی و انسجام اجتماعی در روستاهای زلزله‌زده همبستگی وجود دارد.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

نتایج حاصل از توصیف ویژگی‌های نمونه‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد که بیشتر پاسخ‌گویان (۴۹ درصد) بین ۳۵ تا ۴۵ سال سن دارند. بیش از ۳۸ درصد پاسخ‌گویان دارای تحصیلات دیپلم، ۱۵ درصد تحصیلات دانشگاهی، ۱۲ درصد بی‌سواد، ۱۱/۵ درصد دارای مدرک تحصیلی راهنمایی و سایر افراد نیز دارای

مدرک تحصیلی حوزوی و بالاتر از کارشناسی هستند. از نظر اشتغال شغل کشاورزی با ۵۹ درصد دارای بیشترین تعداد شاغلین بوده است. بیش از ۷۸ درصد پاسخ‌گویان مالک واحد مسکونی می‌باشند. بیش از ۷۹ درصد از پاسخ‌گویان به‌صورت دائم در محل جدید اقامت داشته و ۲۱ درصد نیز بطور موقت در محل جدید زندگی می‌کنند.

یافته‌های استنباطی

در رابطه با شاخص‌های مرتبط با متغیر اعتماد اجتماعی که با استفاده از گویه‌های کنش مناسب با سایر افراد، قرض دادن وسایل به همسایگان، اعتماد به اهالی روستا، اعتماد نسبت به نهاد دهیاری، اعتماد به شوراهای روستا، اعتماد به امدادگران و هلال احمر، حساسیت مردم در خصوص مشکلات دیگران، اعتماد شخصی، اعتماد به نهادها و سازمان‌های دولتی، ضمانت مالی هموعان در دریافت وام مورد سنجش قرار گرفته است، اختلاف معنی‌داری در سطح اطمینان ۰/۰۱ درصد در هر سه الگوی مورد مطالعه در این شاخص مشاهده گردید. میانگین امتیاز شاخص اعتماد اجتماعی در الگوی جابجایی، تجمیع و بازسازی به ترتیب ۲/۳۳، ۲/۱۹ و ۲/۸۷ می‌باشد؛ که بیانگر کاهش میزان اعتماد اجتماعی در هر سه الگوی مورد مطالعه نسبت به قبل از جابجایی می‌باشد. در این رابطه بیشتر شاخص‌ها در هر سه الگوی مورد بررسی با نظر مخالف و کاملاً مخالف پاسخ‌گویان مواجه شده‌اند. همچنین یافته‌های حاصل از تجمیع گویه‌های تبیین‌کننده‌ی شاخص اعتماد اجتماعی در جدول زیر نشان‌گر وجود تفاوت معنی‌دار میان شاخص اعتماد اجتماعی بین الگوهای مورد مطالعه و حد متوسط گویه‌ها عدد ۳

یعنی میانه نظری می‌باشد. این تفاوت در سطح ۰/۰۱ اسکان نشان داده شده است. معنادار برآورد شده است. در جدول (۳)، تأثیر اسکان مجدد بر مؤلفه‌ی اعتماد اجتماعی در الگوهای سه‌گانه

جدول ۳: برآورد معناداری سطح تفاوت شاخص اعتماد اجتماعی از حد وسط گویه‌ها

شاخص	الگو	میانگین	اختلاف میانگین	T	سطح معنی‌داری
اعتماد اجتماعی	جابجایی	۲/۳۳	-۰/۱۶۲	-۳/۹۶۶	۰/۰۰۰
	تجمیع	۲/۱۹	-۰/۴۸۴	-۱۴/۷۵۴	۰/۰۰۰
	بازسازی	۲/۸۷	-۰/۱۲۵	-۲/۳۶۵	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

همچنین نتایج آزمون t نمونه‌های مستقل، نشان‌دهنده‌ی وجود اختلاف معنی‌دار در سطح ۰/۳۴۵ در شاخص اعتماد اجتماعی بین سه الگوی مورد مطالعه می‌باشد (جدول ۴).

جدول ۴: مقایسه الگوهای جابجایی، بازسازی و تجمیع در شاخص اعتماد اجتماعی

مؤلفه	الگو	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	آزمون t	
					آماره t	سطح معنی‌داری
اعتماد اجتماعی	جابجایی	۱۰۰	۲/۲۵	۰/۲۷۸	۶/۲۵۴	۰/۳۵۴
	تجمیع	۱۰۰	۲/۵۶	۰/۳۸۹		
	بازسازی	۲۰۰	۲/۸۹	۰/۱۸۵		

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

دیگران، شرکت در مراسم‌های عمومی روستا، هم‌فکری و مشورت زنان در امور روستا، مورد سنجش قرار گرفته است، اختلاف معنی‌داری در سطح اطمینان ۰/۰۱ درصد بین الگوها با وضعیت قبل از جابجایی مشاهده گردید. میانگین امتیاز مشارکت اجتماعی در سه الگوی جابجایی، تجمیع و بازسازی به ترتیب ۲/۵۳، ۲/۴۷ و ۳/۱۳ می‌باشد؛ که بیانگر بهبود وضعیت مشارکت در الگوی بازسازی در مقایسه با دو الگوی دیگر می‌باشد.

در رابطه با متغیرهای مشارکت اجتماعی نیز که با کمک گویه‌های تلاش برای آگاهی و شناخت اهداف توسعه‌ی روستا، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های روستا، مشارکت فعال در انتخابات، عضویت در نهادهای محلی از قبیل شورای روستا، ارتباط نزدیک با مدیریت (شورا) و دهیار، تمایل به مشارکت دادن سایر اعضای خانواده و به خصوص فرزندان در مدیریت روستا، مشارکت مالی در امور روستا، تمایل به ارائه‌ی تجارب شخصی به

جدول ۵: برآورد معناداری سطح تفاوت شاخص مشارکت اجتماعی از حد متوسط در الگوهای مورد بررسی

شاخص	الگو	میانگین	اختلاف میانگین	T	سطح معنی‌داری
مشارکت اجتماعی	جابجایی	۲/۵۳	۰/۳۶۵	۲/۸۷۵	۰/۰۰۱
	تجمیع	۲/۴۷	۰/۳۴۸	۵/۵۶۳	۰/۰۰۰
	بازسازی	۳/۱۶	۰/۷۵۵	۷/۶۳۵	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

همچنین نتایج آزمون t نمونه‌های مستقل نشان- دهنده‌ی وجود اختلاف معنی‌دار در سطح ۰/۳۲۴ در

شاخص مشارکت اجتماعی بین سه الگوی مورد مطالعه می‌باشد (جدول ۶).

جدول ۶: مقایسه الگوهای سه‌گانه اسکان در رابطه با شاخص مشارکت اجتماعی

مؤلفه	الگو	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	آزمون t	
					آماره t	سطح معنی‌داری
مشارکت اجتماعی	جابجایی	۱۰۰	۳/۰۶	۰/۳۶۵	-۱/۴۲۱	۰/۳۲۴
	تجمیع	۱۰۰	۳/۰۴	۰/۴۲۵		
	بازسازی	۲۰۰	۳/۱۳	۰/۱۲۶		

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

حضور در مراکز عمومی مورد ارزیابی قرار گرفته است، اختلاف معنی‌داری در سطح اطمینان ۰/۰۱ درصد در هر سه الگوی مورد مطالعه نسبت به قبل از جابجایی وجود دارد.

در جدول ۷ نتایج به‌دست‌آمده برای گویه‌های شاخص همبستگی و انسجام اجتماعی در الگوهای مورد مطالعه آورده شده است. براساس نتایج به دست آمده سطح معنی‌داری الگوی جابجایی ۰/۶۵۸، الگوی ۰/۷۵۴ و الگوی بازسازی ۰/۸۶۳ بوده است.

در رابطه با متغیرهای همبستگی و انسجام اجتماعی که با استفاده از گویه‌های احساس امنیت در کنار هم‌نوعان، شرکت در مراسم‌های جشن و عزا، احساس نشاط در محیط فعلی، کمک به افراد بی‌بضاعت، روابط صمیمانه با همسایگان، پذیرش افراد با قومیت‌های مختلف، بروز تضادهای مذهبی، همدلی و یکرنگی بین مردم، احساس مسؤولیت در امور روستا، احترام به بزرگ‌ترها توسط کوچک‌ترها، حل اختلافات به‌صورت ریش‌سفیدی و کدخدایی، ایجاد تعاونی با دیگران،

جدول ۷: برآورد معناداری سطح تفاوت شاخص انسجام اجتماعی از حد متوسط

شاخص	الگو	میانگین	اختلاف میانگین	t	سطح معنی‌داری
همبستگی اجتماعی	جابجایی	۲/۴۲۵۴	۰/۰۰۸۷۲	۰/۰۸۶	۰/۶۵۸
	تجمیع	۲/۶۵۸۷	۰/۰۰۹۸۶	۰/۱۲۵	۰/۷۵۴
	بازسازی	۳/۰۲۵۴	۰/۰۰۳۵۴	۰/۳۲۱	۰/۸۶۳

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

بازسازی در مقایسه با دو الگوی دیگر می‌باشد. همچنین نتایج آزمون t نمونه‌های مستقل نشان‌دهنده وجود اختلاف معنی‌دار در سطح ۰/۷۹۵ در مورد شاخص همبستگی و انسجام اجتماعی بین سه الگوی مورد مطالعه می‌باشد (جدول ۸).

یافته‌های حاصل از تجمیع گویه‌های تبیین‌کننده شاخص همبستگی و انسجام اجتماعی، نشانگر وجود تفاوت معنی‌دار این شاخص در الگوی بازسازی در سطح ۰/۰۱ می‌باشد. میانگین امتیاز همبستگی و انسجام اجتماعی در الگوهای جابجایی، تجمیع و بازسازی، به ترتیب ۲/۰۱، ۲/۰۲ و ۳/۱۲ می‌باشد که بیانگر تغییر محسوس وضعیت مشارکت در الگوی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۸: مقایسه الگوهای سه‌گانه اسکان در شاخص همبستگی و انسجام اجتماعی

مؤلفه	الگو	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	آزمون t	
					آماره t	سطح معنی‌داری
همبستگی و انسجام اجتماعی	جابجایی	۱۰۰	۲/۰۸	۰/۵۶۴۸۷	۰/۰۰۰	۰/۷۹۵
	تجمیع	۱۰۰	۲/۰۲	۰/۵۱۲۴۵		
	بازسازی	۲۰۰	۳/۱۲	۰/۲۵۵۴۵		

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

به منظور پاسخ‌گویی به این سؤال که آیا تفاوت معنی‌داری بین میزان سرمایه اجتماعی در الگوهای اسکان مجدد (الگوی جابجایی، تجمیع و بازسازی)

وجود دارد، از آزمون t نمونه‌های مستقل استفاده گردید. در جدول (۹) آماره‌های مربوط به دو گروه و در جدول ۱۰، آزمون t دو نمونه مستقل ارائه شده است.

جدول ۹: آماره‌های مربوط به سه گروه از الگوهای اسکان مجدد

پارامتر	الگو	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد
سرمایه اجتماعی	جابجایی	۱۰۰	۲/۰۴	۰/۳۸۷	۰/۰۶۵
	تجمیع	۱۰۰	۲/۰۸	۰/۳۵۶	۰/۰۲۱
	بازسازی	۲۰۰	۳/۲۶۵۱	۰/۱۵۴	۰/۰۶۵

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

در زمینه وجود یا عدم وجود اختلاف معنی‌دار در بین متغیرهای سرمایه اجتماعی در رابطه با الگوهای سه‌گانه اسکان مجدد، نتایج جدول شماره ۸ (۸) نشان داد بیشترین اختلاف مربوط به الگوی بازسازی با میانگین ۳/۱۲ بوده است و سپس الگوهای تجمیع و جابجایی به ترتیب با میانگین ۲/۰۸ و ۲/۰۲ دارای

تغییرات بسیار جزئی هستند. به عبارتی میزان سرمایه اجتماعی در روستاهای بازسازی شده بیشتر از الگوهای تجمیع و جابجایی است. در نهایت در جدول شماره ۹ (۹)، اقدام به آزمون t برای دو نمونه مستقل ارائه شده است.

جدول ۱۰: آزمون t دو نمونه مستقل از روستاها

سرمایه اجتماعی	آزمون برابری واریانس‌ها		آزمون t برای میانگین‌ها	
	آماره F	معیار تصمیم برابری واریانس‌ها	آماره t	معیار تصمیم برابری میانگین‌ها
با فرض برابری واریانس‌ها	۰/۱۷۵	۰/۶۷۸	۱/۱۴۹	۰/۳۵۸
با فرض نابرابری واریانس‌ها			۱/۱۳۴	۰/۵۱۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

جدول شماره ۹ (۹) شامل دو آزمون می‌باشد، آزمون اول برابری واریانس‌ها با مقدار ۰/۱۷۵ برای آماره F و با معیار تصمیم ۰/۶۷۸ را نشان می‌دهد، بنابراین فرض برابری واریانس‌ها را می‌توان رد کرد. یعنی با توجه به

اطلاعات این نمونه، واریانس سرمایه اجتماعی بین الگوی جابجایی محدود و الگوی تجمیع با هم برابر نیست. دومین آزمون مقایسه میانگین‌ها است که با فرض برابری واریانس‌ها، معیار تصمیمی برابر ۰/۳۵۸

گویه‌ها در سطح ۰/۰۱ می‌باشد. میانگین امتیاز مشارکت اجتماعی در سه الگوی جابجایی، تجمیع و بازسازی، به ترتیب ۲/۵۳، ۲/۴۷ و ۳/۱۳ می‌باشد؛ که بیانگر تغییر در وضعیت مشارکت اجتماعی در هر سه الگو می‌باشد. همچنین نتایج آزمون t نمونه‌های مستقل نشان‌دهنده وجود اختلاف معنی‌دار شاخص همبستگی اجتماعی بین دو الگوی مورد مطالعه می‌باشد. این یافته‌ها با نتایج یافته‌های آگاروال^۲ (۲۰۰۵) و استادکلاته و همکاران (۱۳۹۴) همخوانی داشته است. در این رابطه می‌توان گفت که مشارکت اجتماعی به دنبال شکل‌گیری عوامل دیگری مانند اعتماد، انسجام، همبستگی و غیره شکل می‌گیرد. لذا در روستاهایی که یکی از اشکال الگوی اسکان مجدد را تجربه کرده‌اند، هنوز نتوانسته‌اند به سطوح بالایی از اعتماد، انسجام و همبستگی برسند، میزان مشارکت اجتماعی نیز پایین است.

در رابطه با متغیرهای همبستگی و انسجام اجتماعی نیز یافته‌ها نشان‌دهنده وجود تفاوت معنی‌دار در هر سه الگوی اسکان مجدد بوده است. تفاوت معنی‌دار متغیرهای همبستگی و انسجام اجتماعی در حد متوسط گویه‌ها و در سطح ۰/۰۱ بوده است. میانگین امتیازات این متغیرها به ترتیب برای جابجایی، تجمیع و بازسازی برابر با ۲/۰۸، ۲/۰۲ و ۳/۱۲ محاسبه شده است. این یافته‌ها با نتایج یافته‌های جان‌گردن^۳ (۲۰۰۱) و دیانی، طاهرخانی و افتخاری (۱۳۸۷) همخوانی داشته است. در این رابطه نیز می‌توان گفت که تجربه‌ی اسکان مجدد برای روستاییان به دنبال تجربه شوک ناشی از زلزله که منجر به از دست دادن اعضای خانواده و آشنایان و همچنین تحمل خسارات مالی گسترده شده است تا حدودی مشکل خواهد بود؛

دارد. با فرض برابر نبودن واریانس‌های دو الگو نیز ۰/۵۱۱ حاصل خواهد شد. در هر دو صورت نتیجه‌ی این آزمون نشان‌دهنده آن است که بین الگوهای اسکان مجدد تفاوت معنی‌داری در زمینه‌ی میزان تغییرات سرمایه‌ی اجتماعی در حد ۰/۰۶۷ خواهد بود.

نتیجه

با توجه به وقوع زلزله سال ۱۳۹۱ شهرستان ورزقان و پیاده‌سازی الگوهای سه‌گانه اسکان مجدد در ۱۲ روستای این شهرستان، پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر این الگوها بر میزان تغییرات سرمایه‌ی اجتماعی بوده است. یافته‌های پژوهش در رابطه با متغیرهای اعتماد اجتماعی نشان داد که با اختلاف معنی‌داری در سطح اطمینان ۰/۰۱ درصد در هر سه الگوی مورد مطالعه (جابجایی، تجمیع و بازسازی) نسبت به قبل از جابجایی مشاهده گردید. میانگین امتیاز اعتماد اجتماعی در الگوی فوق به ترتیب ۲/۳۳، ۲/۱۹ و ۲/۸۷ می‌باشد. این یافته‌ها با نتایج یافته‌های اسپچیر^۱ (۲۰۰۷)، رضوانی و همکاران (۱۳۹۲) همخوانی داشته است. در این رابطه می‌توان گفت که اجرای الگوهای اسکان مجدد و به خصوص در دو الگوی تجمیع و جابجایی به دلیل اینکه اهالی این‌گونه روستاها نتوانسته‌اند با محل جدید و همچنین افراد جدید انس پیدا کنند، لذا سطح اعتماد اجتماعی نسبتاً پایین می‌باشد. علاوه بر این وجود فشار روانی حاصل از دست دادن افراد خانواده در مرحله‌ی اول و همچنین ضرر و زیان‌های مالی مانع از شکل‌گیری اعتماد اجتماعی سریع‌تر شده است.

در رابطه با متغیرهای مرتبط با مشارکت اجتماعی نیز یافته‌ها نشان داد که وجود تفاوت معنی‌دار این شاخص در هر سه الگوی مورد بررسی و حد متوسط

بین مردم و همچنین مسؤلان محلی انجام، مطالعات دقیق در رابطه با ابعاد اجتماعی قبل از پیاده‌سازی الگوهای اسکان مجدد، واگذاری بخشی از اختیارات بر عهده‌ی خود مردم، ارائه‌ی برنامه‌های آموزشی و توجیهی به آنان در مورد ضرورت و اهمیت اسکان مجدد، زمینه برای افزایش سطح اعتماد اجتماعی فراهم شود.

- با توجه به زلزله‌خیز بودن محدوده‌ی ورزقان، از طریق رویکرد مقاوم‌سازی مسکن روستایی در حد امکان میزان خطرپذیری روستاها کاسته شده تا نیاز به پیاده‌سازی اسکان مجدد کاهش یابد.

- در رابطه با مشارکت اجتماعی نیز پیشنهاد می‌شود ضمن ارائه‌ی برنامه‌های آموزشی با روستاییان حادثه - دیده از زلزله سال ۱۳۹۰ این منطقه، از تجارب و تخصص‌های آنان نیز به بهترین شکل استفاده شود. علاوه بر این‌ها، توجه به خواست‌ها و نیازهای روستاییان می‌تواند سطح مشارکت آنان را افزایش دهد؛

- در رابطه با راهکارهای تقویت انسجام و همبستگی اجتماعی در این گونه روستاها، پیشنهاد می‌گردد تا ضمن مورد توجه قرار دادن ابعاد فرهنگی، مذهبی، قومیتی و غیره در سطح روستاهای منطقه، از اجرایی برنامه‌ها و یا ایراد سخنانی که موجب از بین رفتن سطح انسجام و همبستگی اجتماعی می‌شود، اجتناب نمایند.

- همچنین پیشنهاد می‌شود که به هنگام اجرای الگوهای اسکان مجدد در مرتبه‌ی اول سعی شود تا اولویت اول بازسازی روستاها در محل اولیه‌ی خود باشد. در صورت اجرایی نبودن این الگو، سایر الگوها مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا هم سطح سرمایه‌ی اجتماعی در الگوی بازسازی بالاتر بوده و هم هزینه‌ی اجرایی کردن آن نسبت به دو الگوی دیگر کمتر است.

بنابراین عوامل فوق منجر خواهد شد تا روستاییان به زودی انسجام و همبستگی عمومی خود را باز نیابند. در نهایت میزان همبستگی و انسجام اجتماعی در روستاهایی که الگوهای اسکان مجدد را تجربه کرده‌اند، پایین‌تر از حد متوسط می‌باشد. علاوه بر این یافته‌های پژوهش نشان داد که از بین الگوهای سه‌گانه اسکان مجدد در روستاهای زلزله‌زده، الگوی بازسازی روستاها که عبارت بود از بازسازی مسکن روستاهای تخریب شده در سایت (محل) اولیه روستا، از سطح میانگین بالاتری نسبت به دو الگوی دیگر داشته است. بر اساس مصاحبه‌ی عمیق صورت گرفته با اهالی این روستاها مشخص شد که علت اصلی این امر را می‌توان در علاقه و همبستگی شدید روستاییان به محل سکونتی خود دانست که بیانگر خاطرات گذشته‌ی آنان و همچنین محل فعالیت آبا و اجداد آنان بوده است. علاوه بر این یافته‌های پژوهش نشان داد که میانگین تمامی ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی (اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و انسجام و همبستگی) در روستاهای تجمیع یافته کمتر از دو الگوی دیگر بوده است. علت اصلی این امر به دلیل عدم شناخت دقیق هر یک از اعضای روستاها نسبت به اهالی روستاهای دیگر بوده که منجر به عدم اعتماد متقابل، کمبود تمایل به مشارکت و غیره شده است.

پیشنهادات

در نهایت با توجه به یافته‌های پژوهش و همچنین با در نظر گرفتن شرایط منطقه می‌توان پیشنهادات کاربری زیر را جهت مدیریت بهینه‌ی این گونه روستاها ارائه نمود:

- در زمینه‌ی افزایش سطح اعتماد اجتماعی در روستاهای اسکان یافته مجدد شهرستان ورزقان، پیشنهاد می‌شود تا از طریق تقویت کانال‌های ارتباطی

- پورطاهری، مهدی؛ مجید پریشان؛ عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری؛ علی عسگری (۱۳۹۰). سنجش و ارزیابی مؤلفه‌های مبنایی مدیریت ریسک زلزله (مطالعه موردی: مناطق روستایی شهرستان قزوین)، پژوهش‌های روستایی. سال دوم. شماره یکم. صفحات ۱۱۵-۱۵۰.

- پورطاهری، مهدی؛ عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری؛ سیدعلی بدری (۱۳۹۰). راهبردها و سیاست‌های توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی (با تأکید بر تجربیات جهانی و ایران). انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.

- توکلی، جعفر (۱۳۸۰). مروری بر نظریات و تجربیات موجود در زمینه تجمیع روستایی (قسمت اول)، مجله جهاد. سال بیست و یکم. شماره ۲۴۷-۲۴۶. سال ۲۱. صفحات ۲۴۴-۲۴۵.

- حاجی‌پور، خلیل (۱۳۸۵). برنامه‌ریزی محله‌ی مینا: رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار، نشریه‌ی هنرهای زیبا. سال ۱۵. شماره ۲.

- حیدری‌ساربان، وکیل (۱۳۹۳). اثرات سرمایه‌ی اجتماعی در مناطق روستایی، مطالعه موردی: مشکین‌شهر، فصلنامه توسعه‌ی اجتماعی. دوره هشتم. شماره ۴. صفحات ۲۸-۷.

- خواجه‌دادی، قربان؛ مهدی اکبریان خوراسگانی؛ سیدحسین محقق‌کمال؛ هادی عبدالله‌تباردرزی (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی: حلقه مفقوده بازسازی پس از بلایا، سومین کنگره بین‌المللی بهداشت. درمان و مدیریت بحران در حوادث غیرمترقبه تهران. سازمان بسیج جامعه پزشکی.

- دهقانی، محمد؛ محمدحسین حیوی‌حقیقی؛ ساناز کیان‌پوری؛ بلقیس شیبانی (۱۳۹۳). رابطه بین سرمایه اجتماعی، رفتار شهروندی سازمانی و رضایت شغلی در بین پرستاران. فصلنامه مدیریت پرستاری. سال سوم. دوره سوم. شماره اول.

- به منظور افزایش سطح موقعیت برنامه‌های اسکان مجدد در سطح روستاهای زلزله‌زده، بهتر است که قبل از شروع فرآیند کار؛ از طریق ارائه‌ی آموزش‌های تخصصی و منطبق بر واقعیات منطقه، از لحاظ روحی و روانی ساکنان روستاها و حتی مدیران را توجیه نمود.

- در نهایت برای پژوهشگران و آینده‌پژوهان پیشنهاد می‌شود که اقدام به بررسی سایر ابعاد اجتماعی مؤثر بر پیاده‌سازی الگوهای اسکان مجدد و از جمله سرمایه‌ی روان‌شناختی، توانمندسازی اجتماعی، ظرفیت‌سازی اجتماعی، تاب‌آوری اجتماعی و غیره نمایند تا بتوان با تحلیل همه‌جانبه به به تمامی ابعاد مؤثر بر سرمایه‌ی اجتماعی روستائیان به خصوص در اثر الگوهای اسکان مجدد دست یافت.

منابع

- احمدی‌اوندی، ذوالفقار؛ سجاد بهمنی؛ عزیزاله سپهوند و علی لجم‌اورک‌مردادی (۱۳۹۳). ارزیابی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی پروژه احداث سد کارون ۳ شهرستان ایزه، فصلنامه توسعه‌ی اجتماعی. دوره ۸. شماره ۳. صفحات ۵۲-۲۷.

- ازکیا، مصطفی؛ غلامرضا غفاری (۱۳۸۶). توسعه‌ی روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران. نشر نی.

- استادکلاته، امین؛ حسن لنگرودی؛ حمیده پهلوان‌زاده (۱۳۹۳). بررسی و سنجش پایداری اجتماعی الگوهای مختلف اسکان مجدد پس از بلایا، اولین همایش علوم جغرافیایی ایران. دانشگاه تهران.

- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ سیدعلی بدری (۱۳۸۲). ارزیابی پیامدهای اقتصادی ادغام روستاها پس از حادثه زلزله از دیدگاه توسعه پایدار: مورد مطالعه‌ی روستاهای بالکور و جمال‌آباد از شهرستان طارم علیا، فصلنامه مدرس. دوره ۷. شماره ۲.

- Adger, W. N (2010). Social capital, collective action, and adaptation to climate change. *Der klimawandel*, Springer: 327-345.
- Agba, A. M. Ogaboh, J. J. Akpanudoedehe and E. M Ushie (2010) Socio-Economic and Cultural Impacts of Resettlement on Bakassi People of Cross River State, Nigeria. *Studies in Sociology of Science* Vol. 1, No. 2, PP: 50-62.
- Aggarwal, O., et al (2005). "A new instrument (scale) for measuring the socioeconomic status of a family: Preliminary study." *Indian Journal of Community Medicine* 30(4): 10-12.
- Aldrich, D. P.(2011). "The externalities of strong social capital: Post-tsunami recovery in Southeast India." *Journal of Civil Society* 7(1): 81-99.
- Bathrellos, G. D., et al (2012). "Potential suitability for urban planning and industry development using natural hazard maps and geological-geomorphological parameters." *Environmental earth sciences* 66(2): 537-548.
- Blaikie, P., et al. (2014). *At risk: natural hazards, people's vulnerability and disasters*, Routledge.
- Bourdieu, P (2011). "The forms of capital. (1986)." *Cultural theory: An anthology*: 81-93.
- Coleman, J. S. (1988). "Social capital in the creation of human capital." *American journal of sociology*: S95-S120.
- Fleming, D. A., et al. (2014). "Trust and reciprocity in the aftermath of natural disasters." *The Journal of Development Studies* 50(11): 1482-1493.
- Iuchi, K (2014). "Planning Resettlement After Disasters." *Journal of the American Planning Association* 80(4): 413-425.
- Jongerden, J (2001). "Resettlement and Reconstruction of Identity: The case of the Kurds in Turkey."
- Krausmann, E., et al (2011). "Industrial accidents triggered by natural hazards: an emerging risk issue." *Natural Hazards and Earth System Science* 11(3): 921-929.
- Magis, K (2010). "Community resilience: an indicator of social sustainability." *Society and Natural Resources* 23(5): 401-416.
- Miller, J., et al (2013). "Seasonal variation in the nutritional status of children aged 6 to 60 months in a resettlement village in West Timor." *Asia Pacific journal of clinical nutrition* 22(3): 449.
- دیانی، لیلیا؛ مهدی طاهرخانی؛ عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری (۱۳۸۷). زمینه‌یابی اسکان مجدد مهاجران روستایی: مطالعه‌ی موردی: مهاجران زیر پوشش کمیته امداد امام خمینی شهرستان پاکدشت، فصلنامه روستا و توسعه. سال ۱۱. شماره ۲. صفحات ۱۴۲-۱۱۹.
- رجبی، معصومه؛ کامیلا آقاجانی (۱۳۸۹). بررسی گسل‌ها، توان لرزه‌زایی و خطر زمین‌لرزه در مخروط‌افکنه‌های شمال شرق دریاچه ارومیه، فصلنامه جغرافیای طبیعی. سال سوم. شماره ۷. صفحات ۱۴-۱.
- رضوانی، محمدرضا؛ لیلیا کوکبی؛ حسن منصوریان (۱۳۹۲). تأثیر بر کیفیت زندگی روستاهای آسیب‌دیده از سوانح طبیعی (مطالعه موردی: شهرک زنجیران و شهرک ایثار استان فارس)، فصلنامه مسکن و محیط روستا. شماره ۱۴۴. صفحات ۱۰۶-۸۷.
- رضوانی، محمدرضا؛ لیلیا کوکبی؛ حسین منصوریان (۱۳۹۲). تأثیر اسکان مجدد بر کیفیت زندگی روستاهای آسیب‌دیده از سوانح طبیعی - (مطالعه موردی: شهرک زنجیران و شهرک ایثار- استان فارس). مسکن و محیط روستا. شماره ۳۲. دوره ۱۴۴. صفحات ۱۰۶-۸۷.
- فتحی، سروش؛ معصومه مطلق (۱۳۸۹). رویکرد نظری بر توسعه‌ی پایدار روستایی مبتنی بر فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی. سال دوم. شماره دوم.
- فیروزآبادی، احمد؛ حسین ایمانی (۱۳۸۵). سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی اقتصادی- اجتماعی در شهر تهران، فصلنامه رفاه اجتماعی. سال ۶. شماره ۲۳.
- قاعدرحمتی، صفر؛ احمد خادم‌الحسینی؛ طاهره سیاوشی (۱۳۹۲). تحلیل میزان ریسک‌پذیری سکونتگاه‌های شهری استان لرستان از خطر زلزله، فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای. شماره ۹. صفحات ۱۴-۱.
- مشیری، فرخ (۱۳۹۰). رویکرد انسانی در جابجایی سکونتگاه‌ها در برنامه‌های آبادانی منطقه‌ای، فصلنامه مسکن و محیط روستا. شماره ۱۳۵.

- Rogers, S. H., et al (2011). "Examining walkability and social capital as indicators of quality of life at the municipal and neighborhood scales." *Applied Research in Quality of Life* 6(2): 201-213.
- Sabatini, F (2009). "Social capital as social networks: a new framework for measurement and an empirical analysis of its determinants and consequences." *The Journal of Socio-Economics* 38(3): 429-442.
- Scoones, I. (2009). "Livelihoods perspectives and rural development." *The Journal of Peasant Studies* 36(1): 171-196.
- Sherrieb, K. et al (2010). "Measuring capacities for community resilience." *Social indicators research* 99 (2): 227-247.
- Tang, B.-s., et al (2008). "Social impact assessment and public participation in China: A case study of land requisition in Guangzhou." *Environmental Impact Assessment Review* 28(1): 57-72.
- Wachinger, G., et al (2013). "The risk perception paradox implications for governance and communication of natural hazards." *Risk analysis* 33(6): 1049-1065.
- Yip, W., et al (2007). "Does social capital enhance health and well-being? Evidence from rural China." *Social science & medicine* 64(1): 35-49.
- Zahran, Sammy; Lori Peek; Jeffrey G. Snodgrass; Stephan Weiler; and Lynn Hempel (2011). *Economics of Disaster Risk, Social Vulnerability, and Mental Health Resilience*. *Risk Analysis*, Vol. 31, No. 7.
- Mosley, P. and A. Verschoor (2005). "The development of trust and social capital in rural Uganda: An experimental approach."
- Nardone, G., et al (2010). "Social Capital in the LEADER Initiative: a methodological approach." *Journal of Rural Studies* 26(1): 63-72.
- Paton, D., et al (2010). "Making sense of natural hazard mitigation: Personal, social and cultural influences." *Environmental Hazards* 9(2): 183-196.
- Patterson, O., Weil, F. and Patel, K (2010). *The Role of Community in Disaster Response: Conceptual Models*, *Popul Res Policy Rev* (2010) 29:127-141.
- Pearson, A. W., et al (2008). "Toward a theory of familiness: A social capital perspective." *Entrepreneurship Theory and Practice* 32(6): 949-969.
- Pelling, M (2003). *The Vulnerability of Cities: Natural Disaster and Social Resilience*, Earthscan Publications Ltd.
- Portes, A. and E. Vickstrom (2015). "Diversity, social capital, and cohesion." *Migration: Economic Change, Social Challenge*: 161.
- Ptackova, J (2012). *Implementation of resettlement programmes amongst pastoralist communities in Eastern Tibet*. *Pastoral practices in High Asia*, Springer: 217-234.
- Rogers, S. and M. Wang (2006). "Environmental resettlement and social dis/re-articulation in Inner Mongolia, China." *Population & Environment* 28(1): 41-68.